

آسیب های اجتماعی در آیات قرآن

علی آبانگاه

دکتری تاریخ، استادیار، گروه دروس معارف اسلامی، واحد گچساران، دانشگاه آزاد اسلامی، گچساران، ایران.

نام نویسنده مسئول:

علی آبانگاه

چکیده

انترگذاری گسترده زندگی اجتماعی بشر بر این حقیقت استوار است که توفیق در هر گونه حرکت تعالی بخش، مستلزم وجود محیطی مناسب، توأم با آرامش و امنیت در عرصه های گوناگون است، و ناامنی در ابعاد زندگی انسانی، موجب بروز انحراف و آسیب در جامعه می گردد. جوامع بشری در طول تاریخ حیات خود شاهد نقض قواعد و مقررات رفتارهای بهنجار بوده و در پی آن آسیب های فراوانی را متحمل شده است. گر چه در قرون اخیر برای جلوگیری از آسیب های اجتماعی، تحقیقات گسترده و دامنه داری برای شناخت، چگونگی، بروز و ظهور و تهیه ساز و کار و پیشگیری و درمان ناهنجاری ها صورت گرفته است، اما قرآن کریم بسیاری از ابعاد گوناگون پیچیده بشر را قرن ها قبل از آن که مکاتب بشری مانند جامعه شناسی، روان شناسی و ... در باره سرشت و سرنوشت آدمی اظهار نظر کنند، روشن ساخته است. خداوند متعال در آیاتی از سوره شمس، (فجور و تقوا) و (خیر و شرش) را به او الهام کرده است. و چنان استعدادی به انسان داده که می تواند راه پاک، تقوی و خیر را در پیش گیرد. قرآن کریم، هم در باره آسیب ها و پیامدهای آن، و هم از تأثیر آموزه های الهی و راهکارهای پیشگیری و درمان آسیب ها سخن به میان آورده است. بنا بر این تخلف از قوانین الهی، جامعه را به فساد و تباهی می کشاند و زمینه بروز انواع گناهان و آسیب های اجتماعی را در جامعه پدید می آورد. از نگاه قرآن و روایات معصومین، مهمترین چیزی که جامعه انسانی را استوار می سازد توجه به مسایل بر اساس قوانین شرع مقدس اسلام است، و به پیشگیری بیش از درمان و اصلاح جوامع اهتمام دارد. چرا که آسیب های اجتماعی بر خلاف پیشگیری که همواره ضرری به مراتب کمتر از درمان آنها دارد، برای فرد و جامعه دارای آثار و خطراتی زیانبار و ویران گر هستند، زیرا درمان با صرف وقت و هزینه های بسیار همراه است و گاه ناهنجاری ها چنان تأثیر عمیقی بر جامعه می گذارد که اصلاح آنها به سادگی میسر نبوده و غیرقابل جبران است. قرآن کریم به عنوان منبع اصلی دین اسلام برنامه ای جامع و کامل توأم با ساز و کارهای معرفتی و اخلاقی و شیوه های تربیتی مؤثر، به منظور کنترل و پیشگیری از خشونت و برخورد قاطع با آسیب رسانان و کجروی های اجتماعی، و اعمال مجازات هایی (از توصی های زبانی تا اعدام) و محدودیت های فردی، برای کسانی که کنترل های غیر خشن نمی توانند سبب بازگشت آنان از کجروی شوند یا با اختیار خود از کجروی ها باز نمی گردند بیان نموده است. مجازات و کیفر سنگین، از عوامل بازدارنده فساد در جامعه و عامل ایجاد و حفظ امنیت اجتماعی است. اسلام برای جان مسلمان و حفظ امنیت افراد، اهمیت بسیار قائل شده و کیفر عذاب ابدی را برای آن مقرر داشته تا جلوی قتل و جرائم سنگین گرفته شود. حکم قصاص قاتل، یکی از پیشرفته ترین و عاقلانه ترین برنامه های پیشگیری از قتل در اسلام است چرا که قصاص قاتل، سبب حیات جامعه است. در سوره مائده، آیه ۳۲ می فرماید: هر کس کسی را جز به قصاص قتل یا [به کیفر] فساد در زمین بکشد چنان است که گویی همه مردم را کشته است، و این نشان از توجه اسلام به سلامت و امنیت حیات انسان است. بر همین اساس پژوهش حاضر که از روش توصیفی - تحلیلی و جمع آوری اطلاعات و به صورت کتابخانه ای و فیش برداری استفاده شده است، این هدف را تعقیب می کند که " برخی آموزه های اسلامی در این باب به علاوه نواهی در قرآن کریم را که سبب گناه و معصیت فردی و آسیب رسانی اجتماعی از قبیل: غیبت، بدگمانی، تمسخر، عیبجویی، هجو و القاب زشت، تجسس، بیعدالتی، بی توجهی نسبت به آسیب دیدگان، ظلم، اسراف، و راههای پیشگیری از این آسیبها مانند: ایمان، تقوی، عبادت، امر به معروف و نهی از منکر، برادری، تعلیم و تربیت، آموزه های دینی، انفاق و بخشش، عفو و گذشت می شود"، تبیین و بررسی می کند. لذاست که فرد، خانواده، جامعه و حاکمیت، با تمسک به راهکارهای دین اسلام، می توانند در جهت پیشگیری از ناهنجاری ها اجتماعی نقش مؤثری ایفا نمایند.

واژگان کلیدی: قرآن کریم، کنترل اجتماعی، ناهنجاری اجتماعی، پیشگیری، مجازات.

مقدمه

ناهنجاری های اجتماعی یکی از معضلات و مشکلات فعلی جوامع بشری است، که در میان اکثریت گروه ها و نهادهای اجتماعی نهادینه شده است، و البته زمان و هزینه های زیادی از حاکمیت ها را در جهت رفع یا کنترل آنها به خود اختصاص داده است. آسیبها (ناهنجاری ها) بر اثر نقص و شکستن قبح در جوامع به وجود می آید و این امکان وجود دارد که ناهنجاری ها از یک مسأله کوچک و کم اهمیت به معضلی بزرگ و حاد در مسائل اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، اخلاقی و ... که نتایج و خسارت های جبران ناپذیری در پی دارد تبدیل شود.

عوامل به وجودآورنده انحراف و کجروی در جوامع مختلف یکسان نیست و مناطق از نظر نوع جرم، شدت و ضعف، تعداد، و نیز از نظر عوامل متفاوتند. این تفاوت ها را می توان در شهرها، روستاها و حتی در مناطق مختلف و محله های یک شهر به وضوح مشاهده کرد. در هر جامعه و محیطی سلسله عواملی همچون شرایط جغرافیایی، اقلیمی، وضعیت اجتماعی، اقتصادی، موقعیت خانوادگی، تربیتی، شغلی و طرز فکر و نگرش خاصی حاکم است که هر یک از آن ها در حسن رفتار و یا بدرفتاری افراد مؤثر است.

امروزه شاهد هستیم که شهرنشینی لجام گسیخته، گسترش حاشیه نشینی و فقر، اِتلاف منابع و انرژی را به دنبال دارد. تنوع و تجمل، اختلاف فاحش طبقات اجتماعی ساکن شهرهای بزرگ، تورم و گرانی هزینه های زندگی و ... موجب می شود تا افراد ناکارآمد که درآمد ناچیزشان زندگی شان را کفاف نمی دهد، برای تأمین نیازهای خود، دست به هر کاری هر چند غیر قانونی و شکستن هنجارهای جامعه بزنند. از دیگر عوامل محیطی آسیب های اجتماعی، می توان فقر، بیکاری، تورم و شرایط بد اقتصادی را نام برد که بر همه آحاد جامعه، اقشار، گروه ها و نهادها تأثیر گذاشته و آنان را تحت تأثیر قرار می دهد [۱].

اینکه هنجار و ناهنجاری دارای چه مفاهیمی هستند؟ علل ناهنجاریها چیست؟ آیا قرآن کریم و متون اسلامی به آنها توجه نموده یا خیر؟ و روش های پیشگیری از آن ها در قرآن و روایات چگونه مطرح شده است؛ پرسش هایی هستند که در این مقاله به آن ها پرداخته می شود. در اسلام، ملاک ها و معیارهایی دقیق برای رفتارهای به هنجار و تشخیص و پیشگیری یا درمان رفتارهای ناهنجار وجود دارد که احکام و دستورالعمل های آن ها ثابت و همیشگی است و صلیقه و امیال افراد بر آن ها مؤثر نخواهند بود.

ضرورت تحقیق

همه جوامع بشری هنجارهایی دارند که افراد هر جامعه ملزم به رعایت و انجام آن ها هستند؛ اما به علت آنکه یکی از ابعاد بسیار قوی در انسان بعد مادی و طبیعت سرکش او است و ضرورتاً لذائذ مادی فراوانی نیز در این بعد نصیب انسان می شود، و ضرورتاً استفاده برخی از لذائذ مادی توسط؛ شرع، عقل، قانون یا عرف جامعه منع می شوند، مرتکبین استفاده از آن لذائذ موانع ذکر شده را نادیده می انگارند و دست به ارتکاب آن ها می زنند. این اعمال از نظر اداره کنندگان جامعه معیار انحراف و کجروی است و اعمال و رفتار مرتکبین آن ها غیر طبیعی و هنجارشکنی است.

فردی که قوانین و مقررات و موازین و عرف پذیرفته شده جامعه را محترم بشمرد و از تجاوز به حقوق مادی و معنوی دیگران اجتناب کند سالم؛ وافرادی که قوانین و مقررات و موازین و عرف پذیرفته شده جامعه را نادیده می گیرند و مرتکب عمل نهدی شده آن جامعه می گردند؛ منحرف هستند. در حالی که از نظر اسلام، هر عملی که با عقل و منطق و شرع مقدس و موازین الهی مخالف باشد عملی خلاف و انحرافی و ناهنجار تلقی می شود.

بر این اساس هر جامعه متناسب با رشد یا انحطاط خود با انواعی از انحرافات و ناهنجاری ها مواجه می باشد. از الزامات ترقی و تعالی و سعادت جوامع، شناخت ناهنجاری ها و مواجهه صحیح و حکیمانه با آن ها است، زیرا آگاهی از کجروی های اجتماعی و مسائل ناشی از آن خصوصاً برای مدیران و تصمیم گیران برای سلامت جوامع ضرورت تام دارد.

با توجه به اینکه ناهنجاری ها از جمله مسائلی می باشند که جوامع امروزی با آن ها دست به گریبان هستند، دین اسلام در تمام زمینه های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی، دستورالعمل ها و رهنمودها و سفارشات ارزشمندی دارد که با توجه به رعایت اخلاق در روابط اجتماعی افراد، اجرای آن ها لازم، بلکه واجب است.

بیان مسأله

موضوع این پژوهش "بررسی آسیب های اجتماعی در آیات قرآن" است. دردها و آسیب های ناشی از ناهنجاری ها (انحرافات)، همه جوامع، گروهها و نهادها را در بر می گیرد. ناهنجاری های اجتماعی از معضلات فعلی جوامع بشری است که بسیاری از وقت و هزینه دولت ها را جهت رفع آن به خود اختصاص داده است.

دین همه جانبه نگر اسلام، ملاک و معیارهایی برای تشخیص رفتار بهنجار و نابهنجار ارائه داده است که ثابت و همیشگی است و میل و اراده افراد بر آن مؤثر نمی باشد.

ناهنجاری ها بر اثر نقص و شکستن هنجارها به وجود می آید و ممکن است در زمینه اقتصاد، سیاست و فرهنگ و اخلاقیات صورت گیرد که در هر صورت نتایج زیانباری به همراه خواهد داشت.

اینکه مفهوم هنجار و ناهنجار چیست؟ آیا در قرآن و روایات به آن اشاره شده است یا خیر؟ علل این ناهنجاری ها چیست؟ و روش پیشگیری از آن در قرآن چگونه مطرح شده است؟ پرسشهایی هستند که در این مقاله به آن پرداخته شد، و روش ها و راه حل هایی را که قرآن در مورد پیشگیری از ناهنجاری ها بیان فرموده ارائه می شود.

پیشینه تحقیق

پیرامون سابقه موضوع تحقیق و تألیفات مرتبط، با مطالعه نه چندان عمیقی که در این زمینه گردیده است، نتیجه ای که حاصل گردید آن است که تحقیقات و تألیفاتی مستقل، و پیوسته زیادی در موضوع «روش های پیشگیری از ناهنجاری های اجتماعی» توسط محققان متقدم و معاصر انجام گرفته و از این طریق زمینه ای مناسب را برای شکل گیری پژوهش حاضر فراهم آورد، اما در خصوص موضوع خاص این مقاله که آسیب ها را «از دیدگاه قرآن» مورد بررسی قرار می دهد، جز مواردی اندک به دست نیامده است. در باره برخی از ناهنجاری هایی که در این تحقیق بدانها اشاره شده، در کتاب هایی که با عنوان آسیب های اجتماعی و انحرافات اجتماعی و راههای پیشگیری از آنها و همچنین مقالاتی که در همین زمینه در مجموعه مقالات همایش های متعددی که در باره همین موضوع برگزار گردید یافت شده، و در پژوهش حاضر از آنها استفاده گردیده است.

اهمیت و ضرورت تحقیق

در هر جامعه معمولاً هنجارهایی وجود دارد که افراد ملزم به رعایت آنها هستند اما در این جهان مادی برای انسان ها لذایذی وجود دارند که هر کس می خواهد به نحوی از آنها استفاده ببرد، و بهره مندی از برخی از این لذایذ که به نظر مرتکبان امری عادی به حساب می آید، برای اداره کنندگان جامعه و اکثریت مردم تابع عرف و مذهب رایج، ملاک انحراف؛ و عاملان آن در مواردی منحرف و کجرو خوانده می شوند و یا رفتارشان غیرطبیعی و غیرعادی به حساب می آید.

از نظر دانشمندان فردی عادی خوانده می شود که مقررات و موازین اندیشیده را محترم شمارد و از تجاوز به حقوق دیگران دوری گزیند و بر این اساس افراد منحرف کسانی هستند که مقررات و موازین را نادیده می گیرند.

اهداف پژوهش

به منظور بررسی و تحلیل موضوع یعنی «بررسی آسیب های اجتماعی در آیات قرآن»، اهداف جزئی ذیل برای بررسی این موضوع طراحی گردیده است:

- مفهوم شناسی هنجار، ناهنجار و کجروی؛
- تعریف ناهنجاری ها از دیدگاه قرآن؛
- علل ناهنجاری های اجتماعی از دیدگاه قرآن؛
- پیامدهای ناهنجاری های اجتماعی از دیدگاه قرآن؛
- روش های قرآنی در پیشگیری از ناهنجاری های اجتماعی.

سوالات تحقیق

- به منظور بررسی و تحلیل موضوع، سوالات ذیل مطرح گردیده است:
۱. معانی و مفاهیم هنجار و ناهنجار از دیدگاه جامعه شناسان چیست؟
 ۲. انواع ناهنجاری های اجتماعی از دیدگاه قرآن چیست؟
 ۳. علل ناهنجاری های اجتماعی از دیدگاه قرآن چیست؟

تعریف مفاهیم

در هر جامعه‌ای رفتارهای انسانی مبتنی بر هنجارها است. در حقیقت هنجارها در تنظیم روابط اجتماعی تأثیر به‌سزایی دارند و عدم رعایت آن‌ها حالتی مخرب دارد چرا که نظم اجتماعی را به مخاطره می‌اندازد. بنابراین می‌توان گفت هنجار و ناپهنجار که از مفاهیم اساسی جامعه‌شناسی به‌ویژه جامعه‌شناسی انحرافات هستند در تنظیم زندگی و ایجاد نظم اجتماعی یا اختلال در آن تأثیر به‌سزایی دارند.

۱. هنجار

واژه هنجار معادل لاتین (نرم) ^۱ به معنای گونیا است که در محاوره معنی قانون، قاعده یا اصلی که باید هدایت یا راهبری یک رفتار را موجب شود، از آن مستفاد می‌شود. (آندره لالاند) ^۲ محقق فرانسوی، با دیدی فلسفی، هنجار را: «نوع ملموس و یا فرمول مجرد آنچه باید باشد (در هر زمینه که قضاوت ارزشی در آن راه یابد) تعریف کرده است؛ از این‌رو معنای آرمان، قاعده، هدف، مدل بر حسب موارد از آن بر می‌آید» [۲].

در اصطلاح جامعه‌شناسی هنجارها؛ نشان‌دهنده رفتار ایده‌آل یا مطلوب جامعه است [۳]. هنجارها در جامعه‌شناسی به عنوان یک قاعده رفتاری عمل می‌کنند که نه فقط افراد برای انجام کارها از آن پیروی می‌کنند، بلکه در عین حال رفتار انسان‌ها با آن سنجیده می‌شود [۴]. بنابراین هنجارهای اجتماعی است که تعیین می‌کند انسان چه باید بگوید و از گفتن چه چیزهایی باید اجتناب ورزد. باید چگونه بیندیشد و چگونه رفتار کند. و به همین دلیل هر کس سعی می‌کند رفتار خود را با هنجارهای اجتماعی سازگار نماید تا جامعه او را به عضویت خود بپذیرد [۵]. قوانین، طرز لباس پوشیدن، مقررات رسمی و اداری، احکام فقهی و شرعی، برنامه تحصیلی، قواعد ورزش‌ها و بازی‌ها، آداب و رسوم و نظایر آن از جمله هنجارهای جامعه محسوب می‌شوند [۶]. با این حال تاریخ مفهوم هنجار به زمانی بر می‌گردد که انسان‌ها به ثبت و ضبط رفتارهای خود پرداختند و در تحلیل‌های فلسفی و اخلاقی مورد توجه قرار گرفت [۷].

مشخصه‌های هنجار اجتماعی

به‌طور کلی می‌توان گفت هنجار اجتماعی دارای مشخصه‌های بارزی از قبیل:

الف: قاعده و استاندارد رفتار اجتماعی (تنظیم روابط اجتماعی، فعالیت مشترک و کنش اجتماعی)؛

ب: رعایت کردن اکثریت؛

ج: مجازات در صورت عدم رعایت، می‌باشند

در نتیجه این سه عامل است که هنجار در واقع یک دستورالعمل رفتار محسوب می‌شود [۸]. زیرا نقش عمده هنجار در جامعه، تنظیم نظم اجتماعی و تبعیت از آن‌ها در روابط اجتماعی است [۹].

رابطه هنجار و ارزش

هنجارها بر ارزش‌ها و نگرش‌های اجتماعی اثر می‌گذارند، زیرا تجویزکننده و در عین حال نهی‌کننده رفتارها هستند [۱۰]. هنجارهای اجتماعی را تجلی بیرونی ارزش‌های اجتماعی می‌دانند [۱۱]. هنجارها به این دلیل باقی می‌مانند که با نظام ارزشی جامعه در توافق هستند و به نیازهای اجتماعی پاسخ می‌دهند [۱۲]. زیرا؛ مجموعه‌ای از اهداف، نگرش‌ها، عقاید و اموری که مهم‌تر از امور دیگر هستند و برای اکثریت اجتماع مطلوب تلقی می‌گردد را می‌توان جزو ارزش‌ها محسوب کرد و چون ارزش‌ها امور مطلوب هستند همه به دنبال تحقق آنها می‌باشند و برایشان احترام خاصی قائل‌اند.

منشأ هنجارها

برخی از هنجارها از طریق دین و یا دولت‌ها به وجود می‌آیند، و بسیاری از هنجارهای مهم زندگی نیز از عادات و سنت‌ها ناشی می‌شوند و در ردیف شیوه‌های سنتی و تکراری انجام امور روزمره قرار می‌گیرند [۱۳]. به‌طور کلی این هنجارها با عناوین هنجارهای دینی، هنجارهای رسمی و هنجارهای سنتی در جامعه بیان می‌شوند [۱۴].

هنجارها و مجازات

به‌طور کلی هنجارها را برحسب نوع مجازات می‌توان به ترتیب زیر طبقه‌بندی کرد:

۱. هنجارهای انتظامی؛ به هنجارهایی اطلاق می‌شود که دستگاه حاکمه در یک جامعه مسئول و متعهد به اجرای آن است و نقض آن موجب مجازات بیرونی می‌شود.

۲. هنجارهای مردمی؛ شامل هنجارهایی هستند که انسان به خاطر شرم، ترس، شماتت یا مسخره کردن دیگران، بدنامی و امثال آن از این هنجارها پیروی می‌کند.

1. Norm.

2. Andre Lalande.

۳. هنجارهای اخلاقی؛ هنجارهایی هستند که پیروی از آنها معلول یک نیروی درونی است که مردم را به تبعیت از آنها وامی‌دارد [۱۵].

۲. نابهنجار

واژه نابهنجار^۳ دارای معانی گوناگونی است که به شرح زیر به کار می‌رود:

- فاقد سازگاری با ساخت کلی یک نظام؛

- مضر در کارایی یک نظام؛

- مغایر با انتظار و توقع مردم؛

- متمایز از آنچه معمول، متداول و طبیعی شمرده می‌شود [۱۶].

واژه نابهنجار در برابر بهنجار قرار دارد. فرد بهنجار کسی است که با خود، محیط پیرامون و انتظارات محیطش همسازی داشته باشد [۱۷]. به عبارتی کسانی که با جامعه هم‌نوا باشند بهنجار شمرده می‌شوند و آنانی که هم‌نوا نباشند نابهنجار نام می‌گیرند. مراد از هم‌نواپی اجتماعی مراعات هنجارهای اجتماعی و منظور از ناهم‌نواپی اجتماعی نقض هنجارهای اجتماعی است [۱۸].

اگر رفتار افراد جامعه با هنجارها، ارزش‌ها و عقاید اجتماعی جامعه در تعارض و تضاد باشد، در این صورت رفتار اجتماعی، رفتار نابهنجاری خواهد بود، و در این حالت روابط اجتماعی تنش‌زا و ستیزآمیز است. وجود روابط نابهنجار در جامعه، سبب پیدایش مسائل و مشکلات اجتماعی شده و حرکت جامعه را ناموزون و نامتعادل می‌سازد. جامعه‌شناسی چنین مسائلی و مشکلات اجتماعی را که زاده عدم هماهنگی نظام ارزشی با خواسته‌ها و عملکردهای افراد جامعه است، تحت عنوان نابهنجاری اجتماعی مورد بررسی قرار می‌دهد. بزهکاری کودکان و نوجوانان، دروغ، غیبت، تهمت، فساد اخلاقی، اعتیاد، خودکشی، دزدی و نابسامانی خانواده از این مقوله است [۱۹].

ناهنجاری، کجرو و کجروی

هر جامعه دارای قوانینی است که بر مردم تحمیل می‌گردد. کسانی که از آن مقررات اطاعت نکنند کجرو شناخته می‌شوند [۲۰]. کجرو یا منحرف، نابهنجار یا بیمار [۲۱] کسی است که رفتار او با دوام است، از این رو رفتار او را کجروی اجتماعی یا انحراف اجتماعی می‌نامند [۲۲]. نابهنجاری گاه در مفهومی کاملاً مترادف با کجروی، و به مفهوم تخلف از ارزش‌ها و هنجارهای حاکم بر روابط اجتماعی به کار می‌رود؛ و گاه نیز در مفهومی کلی‌تر، به معنای ابعاد، ویژگی‌ها و حتی رفتارهای غیرمعتاد و غیرمعمول [۲۳]. مطالعه انحرافات و کجروی‌های اجتماعی یا به اصطلاح، آسیب‌شناسی اجتماعی^۴ عبارت است از مطالعه و شناخت ریشه بی‌نظمی‌های اجتماعی. در واقع، آسیب‌شناسی اجتماعی مطالعه و ریشه‌یابی بی‌نظمی‌ها، ناهنجاری‌ها و آسیب‌هایی نظیر بیکاری، اعتیاد، فقر، خودکشی، طلاق و... همراه با علل و شیوه‌های پیش‌گیری و درمان آن‌ها و نیز مطالعه شرایط بیمارگونه و نابسامانی اجتماعی است [۲۴]. به عبارت دیگر، مطالعه‌ی خاستگاه اختلال‌ها، بی‌نظمی‌ها و نابسامانی‌های اجتماعی، آسیب‌شناسی اجتماعی است؛ زیرا اگر در جامعه‌ای هنجارها مراعات نشود، کجروی پدید می‌آید و رفتارها آسیب می‌بیند. یعنی، آسیب‌زمانی پدید می‌آید که از هنجارهای مقبول اجتماعی تخلفی صورت پذیرد. عدم پای‌بندی به هنجارهای اجتماعی موجب پیدایش آسیب اجتماعی است. از سوی دیگر، اگر رفتاری با انتظارات مشترک اعضای جامعه و یا یک گروه یا سازمان اجتماعی سازگار نباشد و بیشتر افراد آن را ناپسند و یا نادرست قلمداد کنند، کجروی اجتماعی تلقی می‌شود. هر جامعه یا سازمانی از اعضای خود انتظار دارد که از ارزش‌ها و هنجارهای خود تبعیت کنند. اما طبیعی است که همواره افرادی در جامعه یافت می‌شوند که از پاره‌ای از این هنجارها و ارزش‌ها تبعیت نمی‌کنند. در واقع، کسانی که رفتار انحرافی و نابهنجار آنان دائمی باشد، کجرو یا منحرف نامیده می‌شوند. این‌گونه رفتارها را انحراف اجتماعی^۵ یا کجروی اجتماعی گویند.

علت پیدایش نابهنجاری‌ها

برخی، علت اصلی پیدایش نابهنجاری‌ها را به عوامل محیط طبیعی، برخی به عوامل نژادی و ارثی و گروهی، به نبود تعلیم و تربیت و یا نارسایی فرهنگ جامعه نسبت می‌دهند. جامعه‌شناسی بدون اینکه تأثیر عوامل ذکر شده را نادیده بگیرد، عامل مشروط و تعیین‌کننده رفتارهای نابهنجار را در کیفیت و ماهیت روابط اجتماعی می‌داند. از این دیدگاه با پیدایش روابط ناعادلانه اجتماعی زمینه برای تکوین نابهنجاری‌ها پدید می‌آید. به این ترتیب نابهنجاری‌های اجتماعی، زاده‌ی محیط اجتماعی است. اگر محیط اجتماعی با شکل‌گیری روابط اجتماعی درست و ایجاد ساخت هماهنگ و موزون بین خواسته‌ها و امکانات و بین وسیله‌ها و هدف‌ها، رابطه برقرار کند و فرهنگ جامعه را در جهت شکل‌گیری چنین زمینه‌ای به کار گیرد، رفتار افراد جامعه در جهت تحقق خواسته‌های سیستم اجتماعی و افراد سوق داده می‌شود. اما اگر محیط اجتماعی با

3. Abnormal.

4. Sosial Pathology.

5. Sosial Devianced.

ساخت درونی خود نابرابری‌های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی را به وجود آورد و زمینه نارضایتی را پی‌ریزی کند، رفتار افراد جامعه به سوی ناپهنجاری‌ها گرایش پیدا خواهد کرد [۲۵].

آسیب‌های اجتماعی در آیات قرآن

تأثیر گسترده جمع‌گرایی و اجتماعی‌کردن بشر در جامعه بر حیات انسان، به روشنی بر این حقیقت دلالت دارد که توفیق در هر گونه حرکت تعالی بخش، مستلزم وجود محیطی مناسب، و آرامش و امنیت در عرصه‌های گوناگون حیات اجتماعی است. ناامنی در هر یک از ابعاد آن، موجب بروز انحراف در جامعه می‌گردد. وجوه مختلف امنیت را می‌توان به چند دسته تقسیم کرد: امنیت جانی، امنیت روانی، امنیت فرهنگی، امنیت در پیوندهای اجتماعی، امنیت قضایی و امنیت اقتصادی.

۱. امنیت جانی

خداوند، انسان‌ها را از کشتن و به قتل رساندن افراد به ویژه مؤمنان نهی می‌فرماید [۲۶] و مجازات قتل عمد را ضمن قصاص در دنیا عذاب دائمی در جهنم قرار داده است [۲۷]؛ و به صراحت اعلام می‌نماید که اگر یک نفر مظلوم و ناحق به قتل برسد، همچون قتل تمامی آدمیان است و هر کس کسی را زنده بدارد چنان است که گویی تمام مردم را زنده داشته است [۲۸]، حتی در مقام انتقام و قصاص، دستور می‌دهد که نباید اسراف و زیاده روی کرد [۲۹].

از نظر قرآن کریم، چیزهای واهی نمی‌تواند مجوز قتل دیگران باشد؛ بنابراین، انسان‌ها حق ندارند به خاطر ترس از فقر، فرزندان خود را بکشند [۳۰]. همچنین ظلم و ستم ناروا که موجب از بین رفتن حقوق دیگران می‌شود، در ادیان توحیدی، ممنوع است [۳۱]؛ تا آنجا که به مسلمانان صدر اسلام دستور داده می‌شود عداوت با گروهی که مسلمانان را از ورود به مسجد الحرام باز داشتند، نباید آنها را به ستم و بیدادگری وادارد [۳۲]. در میان ملت‌ها، یهودیان به خاطر این که افرادی را به ناحق از شهر و دیار خود بیرون می‌راندند، فراوان سرزنش شده اند [۳۳].

۲. امنیت روانی

حفظ کرامت انسان، اهمیت والایی، نزد خداوند بزرگ دارد. بنابراین، تمام رفتارهایی که به ناحق، به آبروی افراد خدشه وارد می‌کند، نهی شده است. بر همین اساس مواردی که باعث لطمه زدن به کرامت انسان می‌شود بدین شرح است:

الف: تمسخر، عیب جویی، القاب زشت

خداوند می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده اید؛ نباید گروهی از شما، گروهی دیگر را مسخره کنند؛ شاید آنها بهتر از اینها باشند و نه زنانی، زنان دیگر را؛ شاید که بهتر از اینان باشند. و از یکدیگر عیب جویی مکنید و همدیگر را با لقب‌های زشت یاد نکنید...» [۳۴]. منطق قرآن در چنین زمینه‌هایی، این است که افتخار رنگ و نژاد و قبیله وسیله‌ای برای شناخت بهتر یکدیگر است؛ نه وسیله‌ای برای تکبر و نژاد پرستی و تمسخر [۳۵]. همچنان که جایی برای استفاده از القاب زشت نیست؛ افراد بعد از ایمانشان، در درون جامعه‌ای قرار می‌گیرند که رابطه‌ای مساوات طلبانه و برادرانه دارند [۳۶].

ب: خشم

بدون شک آتش خشم را شیطان در قلب آدمی، روشن می‌سازد و اوست که بر افزایش آن پافشاری دارد و لذا برای ریشه کن شدن خشم و عصبانیت باید شیطان را از خود دور نماییم که ذکر شریف "اعوذ بالله من الشیطان الرجیم" و "لا حول و لا قوه الا بالله العلی العظیم"، در این موضوع بهترین نقش را می‌تواند ایفاء نماید.

در آیات الهی و روایات اسلامی پیرامون روش‌های غلبه بر خشم موارد متعددی بیان شده است که به صورت اختصار به برخی از آنها اشاره می‌شود: قرآن می‌فرماید: «... وَإِذَا مَا غَضِبُوا هُمْ يَغْفِرُونَ» و چون به خشم در می‌آیند در می‌گذرند [۳۷]. خداوند متعال افرادی را که قدرت غلبه بر خشم خود را دارند متقی و پرهیزکار معرفی می‌کند. «الَّذِينَ يُنْفِقُونَ فِي السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ وَالْكَاطِمِينَ الْغَيْظَ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ» همانان که در فراخی و تنگی انفاق می‌کنند؛ و خشم خود را فرو می‌برند؛ و از مردم در می‌گذرند؛ و خداوند نیکوکاران را دوست دارد [۳۸].

همان گونه که اشاره شد؛ دو واژه حلم و کظم غیظ به عنوان دو خصلت ارزشمند قرآنی مطرح شده اند که هر دو به یک معنا باز می‌گردند که همان تسلط بر اعصاب و کنترل احساسات و خویشتن داری است.

خشم، غضب و عصبانیت نوعی بیماری است که باید از آن پیشگیری نمود، و پیشگیری آن این است که انسان با پشتوانه باورهای دینی، رعایت دستورهای اخلاقی، همانند محبت، صلح، رحمت، ایثار، گذشت و عفو، توکل، توسل و سرگرمی‌های سالم به زندگی خود آرامش ببخشد و خود را وارد عرصه نگرانی‌ها، اضطراب، بیماری ماشینی و صنعتی و... نکند.

قرآن کریم می فرماید: «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» آگاه باشید، تنها با یاد خدا دلها آرامش می یابد [۳۹].

ج: بدگمانی

قرآن کریم می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ»؛ ای کسانی که ایمان آوردید از بسیاری از گمان ها بپرهیزید که برخی از گمان ها گناه است [۴۰]. مقصود آیه، اجتناب از خود ظن نیست؛ زیرا ظن نوعی حال نفسانی و غیر اختیاری است، اگرچه پاره ای از مقدمات آن اختیاری است. منظور آیه شریفه، این است که به گمان بد درباره دیگران، ترتیب اثر داده نشود. بنابراین، مقصود از این عبارت که «پاره ای از گمان ها، گناه است» نه خود گمان، بلکه ترتیب اثر دادن به آن است که در برخی موارد گناه محسوب می شود [۴۱].

د: غیبت کردن

در قرآن کریم غیبت کردن از مؤمنان به خوردن گوشت برادر مرده تشبیه شده است: «وَلَا يَغْتَبِ بَعْضُكُم بَعْضًا أَيُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَّحِيمٌ» [۴۲]. زیرا غیبت، اجزای جامعه بشری را یکی پس از دیگری فاسد می سازد و از صلاحیت داشتن آن آثار صالحی که از هر کس توقعش می رود ساقط می کند آن آثار صالح عبارت است از این که هر فرد از افراد اجتماع که با فرد دیگر ارتباط برقرار کرد، در کمال اطمینان خاطر با او یکی شود و این زمانی است که او را انسانی عادل و صالح بدانند؛ در نتیجه با او مأنوس شود نه این که از دیدن وی بیزار بوده، او را فردی پلید بشمارد.

انسان بر اثر غیبت و بدگویی دیگری را معیوب پنداشته و به همین مقدار با او قطع رابطه می کند که وقتی همه افراد جامعه را در نظر بگیریم، آن وقت می فهمیم چه خسارت بزرگی وارد آمده است. پس در حقیقت، غیبت به منزله خوره ای است که اگر در بدن شخص راه یابد، اعضای او را یکی پس از دیگری می خورد تا جایی که به کلی ریشه حیاتش را قطع سازد. غیبت کردن، باعث ابطال هویت و شخصیت اجتماعی افرادی می شود که خودشان از جریان اطلاعی ندارند.

خدای متعال، پرده پوشی بر عیوب انسان ها را بدین منظور انجام داده است که حکم فطری بشری، که همانا تن دادن به زندگی اجتماعی است اجرا گردد و اگر این پرده پوشی خدای متعال نبود با در نظر گرفتن این که هیچ انسانی منزله از تمام عیوب نیست هرگز اجتماعی تشکیل نمی شد [۴۳].

ه: تجسس

تجسس در باره زندگی خصوصی افراد و دنبال عیوب مردم رفتن، از کارهای بسیار زشتی است که خداوند ما را از آن نهی فرموده، چرا که خداوند می خواهد مردم در زندگی خصوصی خود از هر نظر در امنیت باشند. بدیهی است اگر اجازه داده شود هر کس به جستجوگری در باره دیگران بر خیزد حیثیت و آبروی مردم بر باد می رود، و جهنمی به وجود می آید که همه افراد اجتماع در آن معذب خواهند بود.

قرآن کریم می فرماید: «وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبِ بَعْضُكُم بَعْضًا أَيُحِبُّ أَحَدُكُمْ» [۴۴]. و جاسوسی مکنید و بعضی از شما غیبت بعضی نکنند. چنین رفتار ناپسندی، باعث می شود که انسان ها از نعمت امنیت روانی، در حساس ترین لحظات زندگی خود، محروم شوند؛ نتیجه طبیعی چنین کاری، این است که رفتارهای دوگانه، در انسان نهادینه شود و روابط اجتماعی بر اثر آگاهی یافتن از عیوب یکدیگر، متلاشی گردد؛ روابطی که مقتضای فطرت بشری است.

قرآن با صراحت تمام تجسس را در آیه فوق منع نموده، و از آنجا که هیچگونه قید و شرطی برای آن قائل نشده نشان می دهد که جستجوگری در کار دیگران و تلاش برای افشای اسرار آنها گناه و البته آسیب رسانی روح و روانی به دیگران است. ولی البته با قرائنی نشان می دهد که این حکم مربوط به زندگی شخصی و خصوصی افراد است، و در زندگی اجتماعی تا آنجا که تأثیری در سرنوشت جامعه نداشته باشد نیز این حکم صادق است.

و: رازداری

راز و سرّ، اموری مکتوم و نهانی است که در زندگی هر انسانی یافت می شود. ویژگی راز آن است که می بایست پنهان باشد؛ چراکه آشکار شدن آن می تواند تأثیرات منفی از خود به جای گذارد. رازها نه تنها شامل خیانت ها، گناهان، انجام محرمات، امور زشت و بدی است که می بایست آن را کتمان کرد و پرده از آن برداشت؛ بلکه شامل اسراری هم می شود که بسیار خوب و امری ارزشی است ولی نمی بایست دوست و دشمن از آن آگاه شود. گاهی ممکن است با آشکار شدن یک راز به جای آنکه تأثیرات مثبت، اثرات منفی داشته باشد و اثر مثبتی که یک راز در حالت پنهان بر فرد و جامعه می گذارد گاه بیشتر از آشکاری آن است. البته رازداری اختصاص به انسان ندارد و از برخی از آیات و روایات به دست می آید که خداوند اسراری دارد که بر کسی آشکار نمی کند. اسرار الهی به عنوان غیب معرفی شده که هر کسی را بدان آگاه نمی سازد و همچنان در پنهان باقی است؛ یعنی خداوندی که خود عالم غیب و دانا به سرّ و نهان است، اموری غیبی و اسراری دارد که خود آن را مخفی نگه داشته و کسی را از آن آگاه نمی سازد. خداوند می فرماید: «عَالِمِ الْغَيْبِ فَلَا يُظْهِرُ عَلَىٰ غَيْبِهِ أَحَدًا» [۴۵]. دانای غیب اوست و هیچ کس را بر اسرار غیبش آگاه نمی سازد.

ز: لزوم حفظ اسرار

همان طوری که انسان می بایست اسرار الهی را افشا نکند و رازدار باشد و علوم و دانش های غریبه را به نامحرمان نسپارد و آموزش ندهد، همچنین می بایست اسرار خانوادگی و رازهای همسری را حفظ کرده و اجازه ندهد تا دیگران به آن آگاه شوند. طیف غالب از زنان و مردان به سبب چیرگی و غلبه عواطف و زودرنجی، بسیار زود اسرار خویش را بیرون می ریزند و دیگران را بدان آگاه می سازند و اجازه می دهند تا دیگران با آگاهی و اطلاعات خود، نقاط ضعف خانواده، دوستان و حتی حاکمیت را شناسایی کرده و بر آن مسلط شوند و موجبات اذیت و آزار و سوء استفاده های مالی و جنسی و امنیتی را فراهم می آورند. در زندگی فردی و اجتماعی انسان، اموری وجود دارد که فاش شدن آنها و در نتیجه، آگاه شدن دیگران از آنها نه تنها منافع فرد را به خطر می اندازد و مخاطراتی برایش به همراه می آورد، بلکه ممکن است اشخاص مرتبط با وی را نیز متاثر کند. گاهی نیز فاش شدن این امور که از آنها به عنوان راز نام برده می شود، خود شخص را درگیر نمی کند و صرفاً روی دیگران تأثیر می گذارد. حفظ شدن ماهیت راز- یعنی پوشیده ماندن آن- نیازمند صفتی است که در انسان ها با نام رازداری شناخته می شود، و اگر اسراری خصوصی یا حکومتی افش شود چه بسا آسیب های جبران ناپذیری در پی خواهد داشت.

ح: نسبت ناروا

در قرآن کریم آمده است: «وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بَغْيٍ مَا كُنْتُمْ لَهَا أَوْلِيَاءَ فَمَا كُنْتُمْ بِأَعْيُنِنَا» و کسانی که مردان و زنان مؤمن را بی آن که مرتکب (گناه) شده باشند، می آزارند هر آینه، بهتان و گناه آشکاری را به دوش کشیده اند [۴۶]. و در جایی دیگر، کسانی را که تحت تأثیر چنین شایعاتی قرار گرفتند، نکوهش می کند: «لَوْلَا إِذْ سَمِعْتُمُوهُ ظَنَّ الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بِأَنْفُسِهِمْ خَيْرًا وَقَالُوا هَذَا إِفْكٌ مُّبِينٌ» که چرا نسبت به یکدیگر، گمان نیک نبردند [۴۷] و نگفتند: روا نیست درباره آن سخن گوئیم «وَلَوْلَا إِذْ سَمِعْتُمُوهُ قُلْتُمْ مَا يَكُونُ لَنَا أَنْ نَتَكَلَّمَ بِهَذَا سُبْحَانَكَ هَذَا بُهْتَانٌ عَظِيمٌ» [۴۸].

۳. نبود امنیت در پیوندهای اجتماعی

از آنجا که استحکام پیوندهای اجتماعی با مسائل مختلف روانی، فرهنگی و اقتصادی و... در ارتباط است، عوامل زیادی می تواند به انسجام بین افراد در درون خانواده و بیرون آن، خدشه وارد کند. در این مجال هم به عوامل تهدید کننده و هم به راهکارهای استحکام پیوندهای اجتماعی، اشاره می کنیم.

عوامل تهدید کننده پیوندها

قطع رحم

قطع ارتباط خویشاوندی علاوه بر این که پایه های اولیه اجتماع را سست و بی بنیان می کند، باعث می شود که آدمی مورد لعنت خداوند قرار گیرد. یکی از عوامل تشدید چنین انحرافی، سرپیچی انسان از اجرای دستورات دین و یاری رساندن به آن و جهاد در راه خداست. در نتیجه، انسان به فساد در زمین روی می آورد و با قتل و غارت و هتک آبروی افراد و تکالب بر سر جیفه دنیا، باعث قطع رحم می شود [۴۹]. خداوند، خطاب به بیمار دلانی که از حکم جهاد روی گردان بودند می فرماید: «فَهَلْ عَسَيْتُمْ إِنْ تَوَلَّيْتُمْ أَنْ تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ وَتَقَطَّعُوا أَرْحَامَكُمْ» [۵۰] اگر روی گردان شوید، جز این انتظار می رود که در زمین فساد و قطع پیوند خویشاوندی کنید؟ «وَأُولَئِكَ الَّذِينَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فَأَصَمَّهُمْ وَأَعَمَّى أَبْصَارَهُمْ» آنها کسانی هستند که خداوند آنها را از رحمت خویش دورشان نمود؛ پس گوش هایشان را کر، و چشم هایشان را کور کرده است [۵۱].

شراب خواری و قمار بازی

خداوند در قرآن از قمار و شراب که دو عامل اساسی انحراف اجتماعی هستند، از ابزار شیطان معرفی می فرماید. در سوره مائده می فرماید: «إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ وَيَصُدَّكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ فَهَلْ أَنْتُمْ مُنْتَهُونَ» همانا شیطان می خواهد با شراب و قمار، میان شما دشمنی و کینه بیاندازد و شما را از یاد خدا و نماز باز دارد، پس آیا شما دست برمی دارید؟ [۵۲].

بی عدالتی

تبعیض به خاطر منافع شخصی یا خویشاوندی یا منافع طبقاتی و ملاحظه فقر و غنا، باعث شکاف بین اعضای جامعه می شود و خداوند از این عمل نهی کرده است. می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَلَوْ عَلَى أَنْفُسِكُمْ أَوِ الْوَالِدِينَ وَالْأَقْرَبِينَ إِنْ يَكُنْ غَنِيًّا أَوْ فَقِيرًا فَاللَّهُ أَوْلَىٰ بِهِمَا فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا وَإِنْ تَلَوُّوا أَوْ تَعْرَضُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا» ای کسانی که ایمان آورده اید به عدالت قیام کنید و برای خدا گواهی دهید [هرچند] به زبان خودتان و یا پدر و مادر و خویشاوندان باشد، ثروتمند باشد یا فقیر؛ پس خداوند سزوارتر از آن دو است و از هوا و هوس پیروی نکنید؛ تا عدالت را رعایت نمایید. [۵۳]

گفتار ناشایست

خداوند می فرماید: «وَقُلْ لِعِبَادِي يَقُولُوا الَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ الشَّيْطَانَ يَنْزِعُ بَيْنَهُمْ إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلْإِنْسَانِ عَدُوًّا مُّبِينًا» و به بندگانم بگو بهترین سخن را بگویند. همانا شیطان (درصد است) میان آنها دشمنی بر انگیزد؛ زیرا شیطان دشمن آشکاری برای انسان بوده است.» [۵۴]

بی توجهی نسبت به آسیب دیدگان

رسیدگی نکردن به وضعیت قشرهای محروم و رنج کشیده جامعه و نداشتن احساس مسئولیت در برابر آنها، به تشدید فاصله طبقاتی و درگیری اجتماعی، دامن می زند. قرآن کریم، از آزاد ساختن بردگان و اطعام در روزهای قحطی و توجه به یتیمان و بیچارگان جامعه، با عنوان «عقبه»، یعنی گردنه سنگلاخ و دشواری یاد می کند که فقط «اصحاب المیمنه» قادر به پیمودن آن هستند. آنان یکدیگر را به صبر کردن در برابر اطاعت خداوند و ترحم سفارش می کنند [۵۵].

«لَقَدْ سَمِعَ اللَّهُ قَوْلَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ فَقِيرٌ وَنَحْنُ أَغْنِيَاءُ سَنَكْتُبُ مَا قَالُوا وَقَتْلُهُمُ الْأَنْبِيَاءَ بِغَيْرِ حَقٍّ وَقَوْلُ دُوقُوا عَذَابَ الْحَرِيقِ» قرآن مجید، راندن یتیمان و تشویق نکردن به اطعام فقیران را، از نشانه های بی اعتقادی به روز قیامت و تکذیب آن، می داند.

بعضی از بخیلان، دستور به انفاق و قرض الحسنه را، نشانه فقر خداوند و بی نیازی خود، تصور می کنند [۵۶] و منطق برخی افراد، منطق کفار است: وقتی به آنان گفته شود: «وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ أَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ قَالُوا الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنْطَعِمُ مَنْ لَوْ يَشَاءُ اللَّهُ أَطْعَمَهُ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ» از آنچه که خداوند، روزی شما قرار داده، انفاق کنید، آنان که کافر شدند، به اهل ایمان گفتند: آیا کسی را اطعام کنیم که اگر خدا می خواست به او روزی می داد» [۵۷]؟

گروهی از بخیلان علاوه بر این که خود بخل می ورزند، دیگران را به آن تشویق می کنند: «وَالَّذِينَ يَنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ رِئَاءَ النَّاسِ وَلَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَمَنْ يَكُنِ الشَّيْطَانُ لَهُ قَرِينًا فَسَاءَ قَرِينًا» «الَّذِينَ يَبْخُلُونَ وَيَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبُخْلِ وَمَنْ يَتَوَلَّ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ» [۵۸]. «وَيُؤْمِنُونَ بِالْمَعَاوِنِ» و از رساندن اندک چیزی که حاجت نیازمندان را برطرف سازد، جلوگیری می کنند. [۵۹]

اختلاف در صراط مستقیم

در دیدگاه ادیان توحیدی، مهم ترین عامل وحدت بخش به جامعه، وجود یک دین مشترک است و اختلاف در آن، از مهم ترین علل گسست در پیوندهای اجتماعی است. خداوند به مؤمنان دستور می دهد: «مُنِيبِينَ إِلَيْهِ وَاتَّقُوهُ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَلَا تَكُونُوا مِنَ الْمُشْرِكِينَ» مِنَ الَّذِينَ قَرَعُوا دِيبُهُمْ وَكَانُوا شَيْعًا كُلُّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ»؛ به سویش توبه برید و از او پروا بدارید و نماز را برپا کنید و از مشرکان مباشید. از مشرکینی نباشید که دین خود را پراکنده ساخته، فرقه فرقه شدند و هر گروهی به آنچه نزد خودشان بود، خوشحال بودند [۶۰]. قرآن کریم، ریشه اختلاف را ستمکاری و حسد و کینه می داند [۶۱].

اجرا نکردن دستورات دین

خداوند درباره علت اختلاف و درگیری بین مسیحیان، می فرماید: «وَمِنَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّا نَصَارَى أَخَذْنَا مِيثَاقَهُمْ فَنَسُوا حَظًّا مِمَّا ذُكِّرُوا بِهِ فَأَغْرَيْنَا بَيْنَهُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَسَوْفَ يُنَبِّئُهُمُ اللَّهُ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ» و از آنان که گفتند ما نصرانی هستیم؛ پیمان گرفتیم و آنان بخشی از آنچه را بدان پند داده شده بودند، فراموش کردند و (به کیفر کردارشان) عداوت و دشمنی را میان آنها تا روز قیامت، بر انگیختیم...» [۶۲].

راهکارهای استحکام پیوندهای اجتماعی در آیات قرآن

قرآن کریم، اصول و راه هایی را برای برقراری و تداوم روابط سالم در یک جامعه توحیدی بیان نموده است:

اصل برادری

از نظر قرآن، مسلمانان مانند برادران در یک خانواده هستند که علائق و مشترکات فراوانی دارند و اختلافات نباید موج از هم گسیختن این پیوندها گردد؛ بلکه تا حد توان، باید زمینه پیدایش و بروز درگیری را از بین برد و بین طرفین آشتی برقرار کرد. خداوند می فرماید: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ» در حقیقت مؤمنان با هم برادران یکدیگرند؛ پس میان برادرانتان را سازش دهید [اصلاح کنید]، و از خدا پروا بدارید امید که مورد رحمت قرار گیرید [۶۳].

وقتی اصل برادری حکم فرما باشد، برای عیب جویی، تکبر، بدگمانی، نژاد پرستی، غیبت و... جایی نخواهد بود؛ بلکه مهربانی و محبت و خیرخواهی، جای همه آنها را خواهد گرفت. قرآن کریم در توصیف یاران پیامبر اکرم (ص) می فرماید: «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ» کسانی که با محمد (ص) رسول الله هستند در برابر کفار سرسخت و در میان خود مهربانند» [۶۴]. «وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا إِنَّكَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ» چنین افرادی از خداوند می خواهند که در دل هایشان هیچ کینه ای نسبت به مؤمنان قرار ندهد. [۶۵].

دعوت یکدیگر به شکیبایی

خدوند در توصیف «اصحاب المیمنه» می فرماید: «ثُمَّ كَانَ مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ وَتَوَاصَوْا بِالْمَرْحَمَةِ» کسانی که ایمان آورده اند و یکدیگر را به شکیبایی و رحمت سفارش می کنند؛ «أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ» اینان خجستگانند [۶۶]. صبر، باعث می شود که جامعه با تفکر و تدبیر صحیح، مشکلات را از پیش پای خود بردارد و با تقویت پیوندهای اجتماعی میان اعضای خود، زمینه را برای ایجاد جامعه آرمانی فراهم کند.

عفو و بخشش

«وَلَا تَسْتَوِي الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ» و هرگز نیکی با بدی یکسان نیست؛ بدی را با نیکی دفع کن آنگاه کسی که میان تو و میان او دشمنی است گویی دوستی یکدل می گردد [۶۷]. قرآن کریم، مؤمنان را به ینار و بخل نورزیدن، «وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَمَنْ يُوْقَ شَحًّا نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» [۶۸] انفاق، «فَالَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَأَنْفَقُوا لَهُمْ أَجْرٌ كَبِيرٌ» [۶۹] قرض الحسنه، «مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ وَلَهُ أَجْرٌ كَرِيمٌ» [۷۰] و احسان به والدین، ذی القربی، یتیمان و سایر درماندگان «وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَبِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ» [۷۱] توصیه می کند که این امر، به کاهش اختلاف طبقاتی و استحکام پیوندهای اجتماعی کمک می کند.

در بسیاری از آیات قرآن کریم، در کنار توصیف مؤمنان به بر پا داشتن نماز، دادن زکات و انفاق نیز، ذکر شده است [۷۲]. و در برخی آیات دیگر نیز، در کنار امر و نماز، امر به زکات هم، مطرح شده [۷۳] و این، نشان می دهد که مؤمن واقعی کسی است که رابطه اش هم با خدا به بهترین شکل باشد و هم با مردم.

نظارت اجتماعی

احساس مسئولیت افراد جامعه در برابر یکدیگر، از عوامل مؤثر در کاهش تنش های اجتماعی است. قرآن کریم می فرماید: مردان و زنان با ایمان، ولی یکدیگرند؛ امر به معروف و نهی از منکر می کنند «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ» [۷۴]

ولایت پذیری

از خدا و رسولش اطاعت کنید و اختلاف نکنید؛ که سست و ضعیف می شوید. «وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ» [۷۵] و این، حلقه اتصال و ریسمان الهی است که باید آن را محکم گرفت و متفرق نشد [۷۶].

۴. امنیت قضایی

جامعه ای که افراد آن همیشه، خود را در معرض اتهام به اعمالی ببینند که مرتکب آن نشده اند یا در صورت تجاوز به حقوقشان، نتوانند در جایی دادخواهی کنند، یا در محاکم قضایی به عدالت رفتار نشود؛ چنین جامعه ای به سعادت و آرامش نخواهد رسید. در قرآن کریم می بینیم که از اتهام بدون دلیل و مدرک، نهی شده است: نسبت به کسی که اظهار اسلام کرد، نباید گفته شود: که تو مؤمن نیستی، تا به جان و مالش تجاوز شود «وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ أَلْفَىٰ إِلَيْكُمْ السَّلَامَ لَسْتَ مُؤْمِنًا تَبْتَغُونَ عَرَضَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا» [۷۷]. این حساسیت، در مورد متهم ساختن افراد به مسائل منافی عفت، تشدید می شود؛ به گونه ای که کسانی که زنان پاکدامن را متهم می کنند، اگر شاهد کافی نداشته باشند، به هشتاد ضربه تازیانه محکوم می شوند «وَالَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَأْتُوا بِرَبْعَةِ شَهَدَاءَ فَاجْلِدُوهُمْ ثَمَانِينَ جَلْدَةً وَلَا تَقْبَلُوا لَهُمْ شَهَادَةً أَبَدًا وَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ» [۷۸] از طرف دیگر، شاهدان از شهادت به ناحق، منع شده اند «وَالَّذِينَ لَا يَشْهَدُونَ الزُّورَ وَإِذَا مَرُّوا بِاللَّغْوِ مَرُّوا كِرَامًا» [۷۹] آنها موظفند که سخن به عدل گویند، حتی اگر در باره خویشاوندانشان باشد «وَإِذَا قُلْتُمْ فَاعْدِلُوا وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ وَبِعَهْدِ اللَّهِ أَوْفُوا ذَلِكُمْ وَصَّاكُم بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ» [۸۰] به حاکمان هم فرمان داده شده که به عدالت حکم کنند «وَقُلْ أَمَنْتُ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنْ كِتَابٍ وَأُمِرْتُ لِأَعْدِلَ بَيْنَكُمُ» [۸۱] و پیرو خواهش های هواپرستان نباشند «وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ وَاحْذَرْهُمْ» [۸۲] در جامعه توحیدی، مظلومان می توانند با صدای بلند دادخواهی کنند. «لَا يُحِبُّ اللَّهُ الْجَهْرَ بِالسُّوءِ مِنَ الْقَوْلِ إِلَّا مَنْ ظَلِمَ وَكَانَ اللَّهُ سَمِيعًا عَلِيمًا» [۸۳]

نتیجه گیری

نتایج کلی به دست آمده در این پژوهش آن است که سعی گردیده بسیاری از کجروی های مهمی که در قرآن به آنها اشاره شده است، و قرآن و ائمه اطهار(ع) ما را از ارتکاب به آن باز می دارند؛ مورد استناد قرار گیرد. و اینکه گاهی ناهنجاری ها برای فرد و جامعه آثار و خطرات زیانبار و مخربی دارد که سال ها اثرات آن باقی می ماند. اشاره دین اسلام هم مبنی بر پیشگیری است که همواره بهتر از درمان می باشد، زیرا درمان با صرف وقت و هزینه های بسیار زیاد همراه است و گاه نیز ناهنجاری های اجتماعی چنان تأثیری بر جامعه می گذارد که جبران آن ممکن نیست و فرد، خانواده، جامعه و حکومت در جهت پیشگیری از ناهنجاری ها نقش مهمی را ایفا می کنند و در گیر با آن می باشند.

پی نوشت ها

۱. ستوده، هدایت الله (۱۳۷۹). آسیب شناسی اجتماعی. تهران: نشر نی، صص ۸۰ و ۷۵.
۲. بیرو، آلن (۱۳۷۵). فرهنگ علوم اجتماعی، باقر ساروخانی، تهران: کیهان، چاپ چهارم، صص ۲۴۸-۲۴۹.
۳. ستوده، هدایت الله (۱۳۷۳). مقدمه ای بر آسیب شناسی اجتماعی. تهران: آوای نور، چاپ دوم، ص ۱۹.
۴. رفیع پور، فرامرز (۱۳۸۷). آنومی یا آشفتگی اجتماعی. تهران: سروش، ص ۱۴.
۵. فرجاد، محمدحسین (۱۳۷۴). آسیب شناسی اجتماعی و جامعه شناسی انحرافات. بی جا: بدر، چاپ ششم، صص ۱۱-۱۲.
۶. همان، ص ۱۹؛ محسنی، منوچهر (۱۳۸۶). جامعه شناسی انحرافات اجتماعی، تهران: طهوری، ص ۳۰.
۷. محسنی، منوچهر. پیشین، ص ۳۱.
۸. رفیع پور، فرامرز. پیشین، ص ۱۵.
۹. محسنی، منوچهر. پیشین، ص ۳۰.
۱۰. همان، ص ۳۰.
۱۱. سلیمی، علی و داوری، محمد (۱۳۸۰). جامعه شناسی کجروی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، کتاب اول، ص ۲۲۵.
۱۲. محسنی، منوچهر. پیشین، ص ۳۱.
۱۳. همان، ص ۳۱.
۱۴. ستوده، هدایت الله. پیشین، ص ۲۱-۲۰.
۱۵. همان، ص ۲۱.
۱۶. ساروخانی، باقر (۱۳۸۰). در آمدی بر دایرةالمعارف علوم اجتماعی. تهران: کیهان، چاپ سوم، جلد ۱، ص ۱.
۱۷. همان.
۱۸. اگبرن، ویلیام و نیمکوف، مایر (۱۳۸۰). زمینه جامعه شناسی، اقتباس امیرحسین آریان پور، تهران: گستره، ص ۲۴۵.
۱۹. سیف اللهی، سیف الله (۱۳۷۴). مبانی جامعه شناسی. گناباد: مرندیز، ص ۲۲۴.
۲۰. فرجاد، محمدحسین. پیشین، ص ۷۱.
۲۱. ستوده، هدایت الله. پیشین، ص ۳۳.
۲۲. اگبرن، ویلیام و نیمکوف، مایر. پیشین، ص ۲۴۵.
۲۳. سلیمی، علی و داوری، محمد. پیشین، ص ۲۲۸.
۲۴. ستوده، هدایت الله (۱۳۷۹). آسیب شناسی اجتماعی. تهران: نشر نی، صص ۸۰ و ۷۵.
۲۵. سیف اللهی، سیف الله. پیشین، صص ۲۲۴-۲۲۵.
۲۶. سوره نساء: آیه ۹۲.
۲۷. همان: آیه ۹۳.
۲۸. سوره مائده: آیه ۳۲.
۲۹. سوره اسراء: آیه ۳۳.
۳۰. سوره انعام: آیه ۱۵۱؛ سوره اسراء: آیه ۳۱.
۳۱. سوره اعراف: آیه ۳۳؛ سوره شوری: آیه ۴۲.
۳۲. سوره مائده: آیه ۲.
۳۳. سوره بقره: آیات ۸۴-۸۵.
۳۴. سوره حجرات: آیه ۱۱.

۳۵. همان: آیه ۱۳.
۳۶. همان: آیه ۱۰.
۳۷. سوره شوری، آیه ۳۷.
۳۸. سوره آل عمران، آیات ۱۳۳-۱۳۴.
۳۹. سوره رعد، آیه ۲۸.
۴۰. همان: آیه ۱۲.
۴۱. تفسیر المیزان، ج ۱۸، ص ۳۵۱.
۴۲. سوره حجرات: آیه ۱۲.
۴۳. تفسیر المیزان: ج ۱۸، صص ۴۸۴ - ۴۸۵.
۴۴. سوره حجرات: آیه ۱۲.
۴۵. سوره جن، آیه ۲۶.
۴۶. سوره احزاب: آیه ۵۸.
۴۷. سوره نور: آیه ۱۲.
۴۸. همان: آیه ۱۶.
۴۹. تفسیر المیزان، ج ۱۸، ص ۲۶۱.
۵۰. سوره محمد: آیات ۲۲-۲۳.
۵۱. سوره مائده: آیه ۹۱.
۵۲. سوره نساء: آیه ۱۳۵.
۵۳. سوره اسراء: آیه ۵۳.
۵۴. سوره بلد: آیات ۱۱ - ۱۸.
۵۵. سوره آل عمران: آیه ۱۸۱.
۵۶. سوره یس: آیه ۴۷.
۵۷. سوره نساء: آیه ۳۷؛ سوره حدید: آیه ۲۴.
۵۸. سوره ماعون: آیه ۷.
۵۹. سوره روم: آیات ۳۱ - ۳۲.
۶۰. سوره بقره: آیه ۲۱۳.
۶۱. سوره مائده: آیه ۱۴.
۶۲. سوره حجرات: آیه ۱۰.
۶۳. سوره فتح: آیه ۲۹.
۶۴. سوره حشر: آیه ۱۰.
۶۵. سوره بلد: آیات ۱۷-۱۸.
۶۶. سوره فصلت: آیه ۳۴.
۶۷. سوره بقره: آیه ۱۷۱؛ سوره حشر: آیه ۹.
۶۸. سوره حدید: آیه ۷.
۶۹. سوره حدید: آیات ۱۱-۱۸؛ سوره تغابن: آیه ۱۷.
۷۰. سوره نساء: آیه ۳۶؛ سوره نور: آیه ۲۲.
۷۱. سوره بقره: آیات ۱۷۷، ۳، ۲۷۷؛ سوره نساء: آیه ۱۶۲؛ سوره مائده: آیه ۵۵؛ سوره توبه: آیات ۱۸، ۷۱؛ سوره انبیاء: آیه ۷۳؛ سوره حج: آیه ۴۱؛ سوره نور: آیه ۳۷؛ سوره نمل: آیه ۳.
۷۲. سوره بقره: آیات ۴۳، ۸۳، ۱۱۰؛ سوره نساء: آیه ۷۷؛ سوره مریم: آیه ۳۱، ۵۵؛ سوره نور: آیه ۵۶؛ سوره مجادله: آیه ۱۳؛ سوره مزمل: آیه ۲۰؛ سوره بینه: آیه ۵.
۷۳. سوره توبه: آیه ۷۱.
۷۴. سوره انفال: آیه ۴۶.

- ۷۵. سوره آل عمران: آیه ۳-۱۰.
- ۷۶. سوره نساء: آیه ۹۴.
- ۷۷. سوره نور: آیه ۴.
- ۷۸. سوره فرقان: آیه ۸۲.
- ۷۹. سوره انعام: آیه ۱۵۲.
- ۸۰. سوره شوری: آیه ۱۵.
- ۸۱. سوره مائده: آیه ۴۹.
- ۸۲ و ۸۳. سوره نساء: آیه ۱۴۸.

منابع و مراجع

- [۱] قرآن کریم.
- [۲] آگ . برن، ویلیام و نیمکوف، مایر(۱۳۸۰). زمینه جامعه‌شناسی، اقتباس امیرحسین آریان‌پور، تهران: گستره.
- [۳] بیرو، آلن (۱۳۷۵). فرهنگ علوم اجتماعی، باقر ساروخانی، تهران: کیهان، چاپ چهارم.
- [۴] رفیع‌پور، فرامرز(۱۳۸۷). انومی یا آشفتگی اجتماعی. تهران: سروش.
- [۵] ساروخانی، باقر(۱۳۸۰). در آمدی بر دایرةالمعارف علوم اجتماعی. تهران: کیهان، چاپ سوم، جلد ۱.
- [۶] ستوده، هدایت‌الله(۱۳۷۳). مقدمه‌ای بر آسیب‌شناسی اجتماعی. تهران: آوای نور، چاپ دوم.
- [۷] _____ (۱۳۷۹). آسیب‌شناسی اجتماعی. تهران: نشر نی.
- [۸] سلیمی، علی و داوری، محمد(۱۳۸۰). جامعه‌شناسی کجروی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، کتاب اول.
- [۹] سیف‌اللهی، سیف‌الله(۱۳۷۴). مبانی جامعه‌شناسی. گناباد: مرندیز.
- [۱۰] فرجاد، محمدحسین(۱۳۷۴). آسیب‌شناسی اجتماعی و جامعه‌شناسی انحرافات. بی‌جا: بدر، چاپ ششم.
- [۱۱] محسنی، منوچهر(۱۳۸۶). جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی، تهران: طهوری.